

جمشید سروشیار (اصفهان)

حاشیه ای بر یک کتاب

آثار ملی اصفهان

تسلیف

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

سلسله انتشارات انجمن آثار ملی (۱۰۱)، ۱۳۵۳ تهران

قطع وزیری ۱۰۴۸ صفحه

نقشه است. و مرحوم سیدمبارک‌ای - رحمة‌الله علیه در تجلیل از مراتب فضل و کمال خویش ازین لون بارنامه‌ها بسیار می‌کرده است.

همان صفحه ۹۰ : تذکره القبور از مرحوم آخوندگزی است. مصحح: مصباح‌الدین مهدوی.

ص ۳ س ۱۶ : دیوازه اسفیش - از دروازه های قدیم اصفهان. در مرحله شیش پیدا یاد تطبیق کرده اند، که نادرست است. چون آن دروازه در مشرق شهر بوده و این محل از نواحی غربی است و هیچ‌یک از قدیم از روستاهای اصفهان به شمار می‌آمده است تازه این تطبیق از مرحوم چاپری انصاری است در تاریخ اصفهان وری (ص ۴) نه از تحقیقات استاد مؤلف و چه خوب بود که به‌ماخذ خود اشارتی می‌داشتند.

همان ص ۲۰ : نوشته اند: دروازه گوش‌بر (را) یهودیه نیز می‌گفتند و علت تسمیه اخیر آن است که عده ای از اولاد گوش-بن‌حام‌بن‌نوح که طایفه الوار (ا) باشند در آنجا سکونت داشتند، واقعا نقل این‌گونه مطالب را اگر به حساب شوخ طبعی مصنف ننهیم برچه حمل توانیم کرد؟

ص ۳ س ۱۶ : در شهری یکصد و چهارده گوشك ۱۰۰ ساخته شده بود.

صحیح: یکصد و چهار (اخبار اصفهان ج اول ص ۱۶). همان ص ۲۰ : از دروازه خور تادروازه یهودیه کوچک یکصد و بیست ذراع فاصله داشت.

صحیح: یکهزار و یکصد ذراع (اخبار اصفهان ج اول ص ۱۶).

این کتاب مفصل‌ترین اثر تازه‌ای است که در باب شهر ما فراهم آمده است. ماخذ اساسی این مجموع بزرگ و پر خرج کتاب نفیس «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» تالیف دکتر لطف‌الله هنر فر است که تا کنون یکتا منبع موثق شناخت پناهای باستانی نصف جهان بوده است.

کتاب جدید - آثار ملی اصفهان - نه تنها بر ماخذ اساسی خویش - گنجینه آثار تاریخی اصفهان تکمیل دارد که به تقریب می‌توان آنرا - صرف نظر از باره‌ای مطالب استطرادی که در زمینه خود نیز چندان مفید نیست - تحریری دیگر از کتاب آثار ملی هنر فر دانست، منتها تحریری که نه تبویب و تدوین بغز و پسندیده آن کتاب را داراست و نه از رسائی و وضوح بیان آن برخوردار است.

جای تأسف است که دستگاهی چون «انجمن آثار ملی» که به فحول کار آگاهان علم و ادب آراسته است چنین ناآگاهانه به طبع این کتاب در «سلسله انتشارات» نفیس خویش رضاداده است. در مطالعه اجمالی کتاب آثار ملی، نویسنده این‌سطور را یادداشت‌هایی فراز آمد، که شاید برخی از دارندگان این کتاب و علاقمندان این‌گونه مطالب را به کار آید:

در مدخل کتاب (ص ۳۲) از تاریخ اصفهان حاج سید محمدعلی مبارک‌ای (متوفی ۱۳۶۵ ه. ق) در پنج مجلد و دانشوران اصفهان هم‌و درش مجلد، یاد کرده اند. ماخذ ایشان ظاهر آندکزه شعرای معاصر اصفهان» تالیف آقا مصباح‌الدین مهدوی است. محض اطلاع مؤلف محترم به عرض میرسد که چنین دو کتابی اساساً نوشته

ص ۱۳۶، قریه طهران را بر تیران کرون فعلی تطبیق کرده اند که بیش از ۵۰ کیلومتر از اصفهان دور است. گویا این طهران، تیران آهنگران باشد که از قراء پیوسته به شهر است. همان ص ۱۶، این عبارت که ترجمه ای است از عیارتی نامفهوم از کتاب ابونعمین (اخبار اصفهان ج اول ص ۱۷) با اصل عربی نمی خواند.

ص ۱۸۷، فرموده اند: وضع جغرافیائی اصفهان از قرن سوم هجری تا چهاردهم (یعنی زمان فعلی) چندان تغییری نکرده است!

ص ۱۳۰، مسجد ائیران را هفده کیلومتری غرب اصفهان دانسته اند در صورتیکه در ۳۰ کیلومتری شرق اصفهان واقع است (گنجینه آثار تاریخی ص ۲۸۸).

ص ۱۴، در وجه اشتقاق سارویه آن را با ساروج از یک بنیاد گرفته و گفته اند آن بنائی است که با ساروج ساخته شده باشد ۱ همان ص ۶، لقب طهمورث « زیناوند » درست است نه زیناوند.

ص ۱۵، « دولقه در قریه یوان واقع است ». مأخذ این قول را معجم البلدان یاد کرده اند و بنده ذیل کلمه « یوان » در این کتاب ذکر می افزایم.

ص ۱۶، نقل قول کرده اند از شیخ جابری انصاری (تاریخ اصفهان وری ص ۴۲۱) که گورستان چمیان (از گورستان های مشهور قدیم اصفهان) محل دفن صائبان بوده، چون « در موقع حفریات اسکلت هایی دیده شده که در خمه سفالین ایستاده دفن شده بوده است ».

بنده از مراسم کفن و دفن صائبان و صائبی بودن مردم اصفهان اطلاعی ندارم. ولیک این قدر دانم که مرحوم جابری از تاریخ جلوه دادن نوعیات و تصورات خویش یروائی نداشته است.

ص ۱۶، نوشته اند: میدان نقش جهان پیش از شاه عباس گورستان بوده است و این گفته ایست واهی (یادداشت آقای بهشتیان).

ص ۲۱، از گورستان شهداء در قهجاورستان سخن رفته و آمده است که جمعی از شهدای مسلمان در آنجا مدفونند. حالا معلوم نیست که این شهدا در چه زمانی و در مقابل لشکر کدام ظالمی درجه شهادت یافته اند.

ص ۲۶، طبرانی را صاحب معجم البلدان دانسته اند! ص ۳۴، از مدرسه ایلچی جزو آثار قلمشده اصفهان یاد کرده اند. ظاهراً این مدرسه همان مسجد ایلچی است در محله احمد آباد که آبادان و معمور هنوز برجاست.

ص ۳۶، معیناً تکرار کننده کلمات نماز امام جماعت معنی کرده اند و من در لغت نامه های متداول چنین معنائی ذیل این واژه نیافتم.

ص ۳۸، احتمال داده اند که مدرسه خواجه ملک با مدرسه عربان یکی باشد که چنین نیست. مدرسه خواجه ملک در جانب شمالی مسجد شیخ لطف الله واقع بوده و محل آن پس از ویرانی به چند کاروانسرا تبدیل شده است (یادداشت آقای بهشتیان). همان صفحه ۳، آخر بیت اول عربی این سطر منلوط و ناموزون است.

ص ۳۹، مدرسه شقیهیه در محله احمد آباد دانسته اند که غلط است. این مدرسه در محله در دشت قرار دارد. (گنجینه آثار تاریخی ص ۵۸۹).

ص ۴۱، مدرسه میرزاتقی را فعلاً در تصرف ابوالحسن بیگ نامی دانسته اند. نام غاصب این مدرسه شیخ حسن معروف به چوبشکن است که سالی چند ازین پیش فوت کرد و اکنون چند تن از بستگان شیخ چوبشکن در این مدرسه ساکنند. (یادداشت آقای

بهشتیان).

ص ۴۵، نام قدیم محله شهشهان « دریه » نبوده است بلکه طوقچی امروز را قدیم دریه مینامیده اند. در کتبی که از صاحب بن عباد یاد کرده اند گورگاه وی را در محله دریه دانسته اند. این مدفن امروز در محله طوقچی مشهور است. (یادداشت آقای بهشتیان).

ص ۴۸، حدس زده اند که مسجد آقاسی پیش از مسجد شدن میکرده بوده است، گرچه تبدیل میکرده به مسجد بی سابقه نیست و شاعری هم در یکی ازین تبدیل ها گفته است:

بین شرافت میخانه مرا ای شیخ

که چون خراب شود خانه خدا گردد

ولی خوب بود حضرت مصنف به غلطنامه کتاب تاریخ اصفهان وری مرحوم جابری که این مطلب را مانند بسی مطالب دیگر از آن نقل کرده اند، البته بدون ذکر ماخذ. مراجعه میفرمودند تا ببینند که این کلمه در آنجا « مفکرده » است نه میکرده. گرچه اساساً این حدس مرحوم انصاری ناستوار است.

ص ۴۸، افاضاتی که در باب وجه اشتقاق و معنی واژه « شفره » فرموده اند همه از شادروان اقبال آشتیانی است رحمة الله علیه. (رک، یادگار، سال پنجم، شماره ۶ و ۷ ص ۱۰۸) یادوی گرامی با داداگر چند جناب مهر آبادی به بی مهری از او یاد نکرده اند. ص ۵۳، از مسجد طیبه در حوالی مسجد حکیم نام برده و آن را همان مسجد میرزاتقی و حواصیکم دانسته اند. (ص ۴۱ کتاب) برای اطلاع ایشان مذکور می افند که مسجد طیبه اولاً نزدیک بند آباد واقع است و ثانیاً هیچ ارتباطی به مسجد میرزاتقی و حواصیکم ندارد. (یادداشت آقای بهشتیان).

ص ۵۵، در باب مسجد و مناره خواجه علم نوشته اند مناره در اوائل نیمه دوم قرن چهاردهم سقوط کرد و مسجد هم در مسیر خیابان هانف فعلی قرار گرفت و بالطبع از میان رفت.

قول حضرت مؤلف را بدین گونه اصلاح می کنیم که: سردر کاشیکاری و منحن مسجد خواجه علم در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در مسیر خیابان هانف قرار گرفت ولی قسمتی از آن باقی ماند که تعمیر گردید و هم اکنون در جانب غربی خیابان هانف باقی و بنام مسجد خواجه علم مشهور است و مناره مسجد در سمت شرق واقع شده که بسبب نزدیکی با خیابان بسال ۱۳۱۴ خورشیدی فرو غلتید یا بقول آقای مهر آبادی سقوط کرد (یادداشت آقای بهشتیان).

ص ۵۷، قصر جهان نما را در چهارباغ بالا دانسته اند. محل این قصر در محل فعلی دروازه دولت بوده نه چهارباغ بالا.

ص ۵۸، از قصری نام برده اند به نام قصر صیحی و آن را به صیحی بر منگی منسوب داشته اند حالا مأخذ ایشان چیست و این حدس بزرگه بنیادی است خدا میداند.

ص ۶۰، فرموده اند از باغ و قصر قوشخانه اثری نیست. محض اطلاع مؤلف به عرض میرسد که هنوز قسمت عمده ای از باغ در تصرف یکی از متنفذان شهر باقی است و از قصر آن نیز ظاهراً آثاری وجود دارد. (یادداشت آقای بهشتیان).

ص ۶۱، از قصر گلدسته یاد کرده و شرحی در باب آن داده اند بدون اینکه هیچ متذکر شوند این قصر کجا بوده است. باغ سلطان علی خان و باغ نواب (ص ۶۵) و بسیاری از باغها و کاخها و مدرسه های قدیم نیز همانند قصر گلدسته بدون تعیین محل ذکر شده اند. ص ۶۶، شعری در وصف اصفهان آورده و آن را به عبدالمطیف خجندی منسوب داشته اند. در ترجمه محاسن اصفهان که ماخذ مؤلف است ذکر می افند نام عبدالمطیف نیست (رک، ترجمه محاسن ص ۱۰۴ نه صفحه ۲۹ که مؤلف ذکر کرده). این شعر بنام صدرالدین ابوالقاسم خجندی مشهور است.

ص ۷۱، خشینان و یهودیه را بر جوباره تطبیق کرده اند

خشینان و یهودیه قدیم در محل فعلی امامزاده اسماعیل وین آباد و محل شیروانیها بوده و ارتباطی با جوباره ندارد. (یادداشت آقای بهشتیان)

ص ۳۷۲ : محل باغ فلاسان یکی از چهارباغ بسزرگ عهد سلجوقی - را حوالی چهارباغ دانسته اند. این باغ در ساحل جنوبی زنده رود و شمال محله مهرگان قدیم واقع بوده است و امروزه بلوار فرح حد شمالی آنست کوچهای را که از کنار آسیاب این ناحیه میگذرد و از جنوب به خیابان نظر و از شمال به بلوار می پیوندد مردم محل هنوز کوچه آسیاب باغ فلاسان میگویند.

ص ۳۷۳ : محل باغ ستاره را چهارباغ بالادانسته اند که غلط است این باغ در چهارباغ عباسی و کوچه سیدعلیخان واقع بوده است. (یادداشت آقای بهشتیان).

همان صفحه ۱۶ : محله نورا همان باغ مراد دانسته اند که هیچ مربوط بدان نمیشود. (یادداشت آقای بهشتیان).
ص ۳۷۹ : واژه جوشاران (باغ جوشاران) را چنین تفسیر فرموده اند :

«در اصل گوش آران بوده که گوش نام قدیم جهودان بوده چه خوب بود حضرت مؤلف در این جور مباحث لئوی ، مأخذی بدست میدادند تا تلامذه علوم ادبیه بیشتر سپاس ایشان دارند .

ص ۳۷۹ : باغ عباس آباد را در محل عباس آباد فعلی دانسته اند و این نادرست است باغ عباس آباد که بعداً به نام هزار جریب شهرت یافته در انتهای جنوبی چهارباغ بالا واقع بوده که قسمتی از آن اکنون دانشگاه اصفهان است و ربطی به محله عباس آباد ندارد. (یادداشت آقای بهشتیان).

ص ۳۸۲ : باغ محمدعلی خان که جزو باغهای معدوم الاثر قلم داده شده است هنوز وجود دارد. این باغ در دهکده کفتران مارپون واقع است و سردر و عمارتی قابل توجه دارد. (یادداشت آقای بهشتیان).

ص ۳۸۴ : آخر از باغچه ملادر اطراف چهارباغ یاد کرده اند اراضی این باغ در جنوب باغ هزار جریب و حوالی چهارباغ بالا هنوز مشهور است .

ص ۳۸۵ : نوشته اند باغ وحش صفوی در حدود چهارباغ بوده است . اگر بتوان تا شعاع سی کیلومتری چهارباغ را حدود آن شمرد ، شاید باغ وحش حدود چهارباغ واقع گردد چه این باغ در منطقه لجان قرار داشته و امروز روستای باغ وحش یادگار آن باغ ازیه های مشهور این ناحیه است (یادداشت آقای بهشتیان).

ص ۳۸۵ : از باغ حاجی نام برده و گفته اند آنجا رازمان شاه عباس باب همایون میگفتند چون همایون پادشاه هند بر روزگاری که از دیار خویش دور افتاده بود در عماراتی که شاه عباس برای وی در این محل ساخت ، اقامت داشت . شگفتا از جناب مهر آبادی که با آن پایه علمی تا این مایه به تاریخ سرزمین خویش بی محبتند . حضرت استاد روزگاری که همایون شاه هندی به ایران پناه آورد ، شاه عباس هنوز زاده نشده بود چنانچه بدین که به شاهی برآمده و پایتخت وی اصفهان باشد همایون زمان طهماسب به ایران گریخت و آن زمان پایتخت قزوین بود . وی مدتی در مشهد رضا ماند پس قزوین و زنجان و تبریز را دیدن کرد و آنکجا به یاری شاه صفوی به دیار خویش بازگشت و به اصفهان آمدن وی ظاهراً مستحیل مینماید. در این باب جسارتاً استاد را به تواریخ هندی چون « همایون نامه » تذکره همایون و اکبر و « اکبر نامه » مراجعه می دهیم.

همان صفحه ۳۱ : حدس زده اند که باغ عبدالعزیز - از باغهای قدیم اصفهان - بنام عبدالعزیز نامی بوده است و واقعاً غیب گفته اند .

در صفحه ۸۷۸۶ اژه «چهارباغ» ، یکی چهارباغ سلجوقی

و دیگر چهارباغ ملکشاهی و سه دیگر چهارباغ اصفهان (کذا) یاد کرده اند ، که هر سه یکیست . جالب اینجاست که از این سه «چهارباغ» چهارباغ ملکشاهی «مرکب» اژه باغ و چهارباغ اصفهان «مرکب» از پنج باغ است !

ص ۸۹ : آخر از حمام قاراخان نام برده و محل آن را در اول چهارباغ نزدیک امامزاده باقر معین نموده اند ، و البته مراد ایشان از چهارباغ باید چهارباغ صدر باشد.

ص ۹۲ : محل تکیه بکتاش را در چهارباغ کهنه دانسته اند و این گفته ای است بی اساس . این تکیه در جنوب مسجد شاه و شرق خیابان فردوسی (استانداری) امروز واقع بوده است و معلوم است که هیچ ارتباطی با چهارباغ کهنه نمیتواند داشته باشد.

ص ۹۴ : نوشته اند گنبد دروازه طوقچی بوسیله شهرداری اصفهان به منظور ایجاد خیابانهای حافظ و هاتف خراب گردید.

برای اطلاع مؤلف محترم به عرض میرسد که خیابان حافظ چند کیلومتر دراز طوقچی است و موجب تخریب گنبد دروازه طوقچی نمیتواند باشد و خیابان هاتف هم باعث تخریب نشده است . قضیه تخریب این گنبد زینا ازین قرار است که متنفذی از اعیان حاجی مشیر نائینی این ناحیه را ثبت داده بود ، بعداً برای فروش مصالح آن را ویران کرد و هنوز محل چهارسوی به صورت ویرانه باقی است. (یادداشت آقای بهشتیان).

ص ۱۰۱ : از دشتی و مسجد جامع آن ناحیه یاد کرده و این روستا را در حدود ۱۲ کیلومتری جنوب زاینده رود دانسته اند. نوشته ایشان باید چنین اصلاح شود :

دشتی در ساحل جنوبی زاینده رود و در فاصله ۱۸ کیلومتری مشرق اصفهان واقع است . (رک : گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، ص ۲۸۷).

ص ۱۰۳ : روستای کاج را ۲۵ کیلومتری اصفهان دانسته اند (بدون آن که جهت این روستا نسبت به شهر مشخص کنند) . توضیحاً می افزائیم که : این ناحیه در ۲۴ کیلومتری مشرق اصفهان و در شمال پستری رودخانه واقع شده و جزو بلوک بر آن شمالی میباشد (رک : گنجینه آثار تاریخی ، ص ۲۸۳).

ص ۱۰۳ : از مسجد جوجو و عمارتهای آن سخن گفته اند ، توضیحاً می افزائیم که : واژه جوجو ، مصحف جوجهر است که نام قدیم محله مسجد حکیم امروزی باشد و مسجد این محل که از بناهای صاحب بن عباد بوده است بک مناره بیش نداشته است. (رک : ترجمه مصحف اصفهان ، ص ۶۴).

ص ۱۰۹ : فرموده اند : در این تاریخ از بازار عربان اثری نیست . خوب بود مؤلف محقق به کتاب «بخشی از گنجینه آثار ملی» (صفحات ۸۵۷ و ۸۵۶) رجوع مینمود و شرحی را که مؤلف خبر این کتاب در باب این بازار - که امروز از آبادترین بازارهای اصفهان است - نوشته اند ، می دید.

ص ۱۱۴ : از دروازه طبره نام برده اند. و کلمه «طبره» مصحف طبره - (تیره) است. (رک : ترجمه محاسن اصفهان ، ص ۱۶ و ۱۷).

ص ۱۱۵ : دروازه عباسی را همان دروازه جوباره دانسته اند که محققاً نادرست است. دروازه عباسی ظاهراً دروازه تیران آهنگران باید باشد که تا چندین پیش به دروازه سرقبر آقا هم شهرت داشت این دروازه در قدیم بر سر راه اصفهان به تهران بوده است . توضیحاً در وجه تسمیه این دروازه به «عباسی» می افزائیم که : بنا بر قول مشهور چون برای نخستین بار شاه عباس اول ازین دروازه به اصفهان در آمد آن را بدین نام خواندند (یادداشت آقای بهشتیان) ص ۱۱۵ : دروازه ماران را بامورنان یکی دانسته اند.

این دو ناحیه چند کیلومتر با هم فاصله دارند و یکی (مورنان) در

شمالی ترین بخش اصفهان و دیگری (مارنان) در آخرین حد شهر در جنوب غربی واقع است.

ص ۱۲۳: مؤلف شرح مبسوطی در باب قلعه دیو داده و محل آن را در امتداد جاده چشمه درویش به سمت مغرب در پای کوه صفا تعیین کرده است. توضیحاً می افزایم: این قلعه که برستیغ کوه صفا واقع شده (نه دریای کوه) همان «شاهدز» معروف اسماعیلیان اصفهان است و احتمال مؤلف (که البته همان احتمال مرحوم سید محمد علی جناب صاحب کتاب «الاصفهان» است) ذاتر بر این که این محل را آتش پرستان جهت دفن اجساد اموات خود ساخته اند، چندین مقبول به نظر نمی رسد.

(در باب این دژ و وقایع مربوط بدان رک: مقاله «شاهدز کجاست»؛ از آقای محمد مهریار نشریه دانشکده ادبیات اصفهان شماره یکم سال یکم ۸۶-۱۵۷ و کتاب Sahdez از شادروان دکتر کارومیناسیان).

ص ۱۴۰: در وجه تسمیه «لسان الارض» (مجله در شرق تحت فولاد) افاده فرموده اند که: «چون این زمین از لحاظ شکل به زبان شباهت دارد به این نام معروف شده است» و بنده تصور این را که زمینی به شکل زبان باشد، نمی توانم بنمایم.

همان صفحه ص ۲۱: فرموده اند: «خانقاه مغرب خانه گاه است که کنایه از تواضع و فروتنی درویشان و صوفیان بوده...» توضیح آخر حضرت استاد که مغرب بودن خانقاه و یا اساساً خانقاه کنایه از تواضع و فروتنی درویشان است برای این قاصر فهم کم معرفت به عوالم اهل عرفان، نامفهوم است.

ص ۱۴۳: در اینجا استاد مؤلف به اصلاح قیاسی کتیبیه مناره مسجد گاردست برده و عبارت «امر ببناء هذه المنارة الزهید...» القاسم بن احمد بن ابی القاسم را بدین صورت تصحیح فرموده اند: «امر ببناء هذه المنارة الزهید... القاسم (یا ابوالقاسم) بن احمد بن ابوالقاسم» (کذا)...

ص ۱۵۱: در باب مسجد جامع جورجیر به گفته صاحب محاسن استناد فرموده که این مسجد «مشمول بر شیستانها و خانقاهها و کتابخانه و مدارس برای فقها و مجلسهایی برای ادبا و مجلسهایی برای شعرا و صوفیان و قاریان قرآن بوده است». در تصحیح این مطالب تطویل نمی دهم، همینقدر میگویم که «اصفهان سخن ما قزوینی را در کتاب محاسن اصفهان درست نفهمیده اند» اگر نمی پذیرند یکبار دیگر بدان رجوع فرمایند (متن عربی ص ۸۶ و فارسی ص ۶۳) این سهو جناب دکتر هنرفر را نیز در کتاب گنجینه آثار تاریخی (ص ۴۰) دست داده است.

همان ص ۱۴: فرموده اند: سردر مسجد جورجیر را از زیر خاک بیرون آورده اند و البته منظورشان از خاک «کاهگل» است بدین اعتبار که کاهگل هم از خاک درست میشود.

ص ۱۵۲: در این سطر بجای: فرازی، فزازی، بتقدیم زاء بر راء و «عصام جبر» بجای: عصام و جبر و «یونس بن عبیده» بجای «یونس بن عبیده» و «اعمش و ثوری» بجای «اعمش ثوری» و «عمر بن صبیح» بجای «عمر بن صبیح» درست است.

ص ۱۵۴: در تعیین حدود اصفهان آورده اند که: از طرف شرق و شمال و جنوب محدود است به جی که مرکب از جی و برزودجی باشد و از طرف مغرب به ماردین. حدنهایی شرق شهر مقسم شهر نیاصرم و حدنهایی مغرب محله لبان و جنوبی شهر نیاصرم و حدنهایی شمالی شهر اصفهان باروئی بود که به مرور زمان خراب

و از میان رفته است.

این تعیین حدود، علاوه بر آن که با واقع به هیچ وجه تطبیق نمی نماید، خواننده نا آشنا با جغرافیای شهر اصفهان را هم بکل سر درگم و گیج میکنند.

ص ۱۵۸ تا ۱۸۰: در این بیست و چند صفحه شرحی در باب خیابانهای کنونی اصفهان داده اند که کاش نمی دادند. از انگشت نهادن بر موارد نادرست آن درمی گذرم چون در این فصل آن مبلغ غلط هست که تصحیح آن نیازمند یک دور باز نویسی است و مرا حوصله این کار نیست از این فصل، صرفاً برای تفریح خاطر خواننده - تنها به ذکر یک بیت شعر از گلستان سعدی که مؤلف استاد - بدون هیچگونه نظر اصلاحی - از گزارش میرزا علی خان نائینی در وصف چهارباغ نقل فرموده اند بستمه میکنیم:

دوحة النهر ما نها صلصال سجة الطیر مرها موزون

ص ۱۸۳: چون قاضی ارجانی ادیب و فقیه سده ششم چندگاهی در مدرسه نظامیه اصفهان به تحصیل اشتغال داشته، حضرت مؤلف تصور فرموده اند وی اصفهانی بوده است و چون نسبت ارجانی بدنیال نام وی بوده چاره ندیده اند جز اینکه محله ای بنام «ارجان» در اصفهان جعل نموده او را بدان محله منسوب دارند!

در ذیل همین صفحه دو بیت از ارجانی نقل فرموده اند که بیت نخستین آن بدین صورت به ضبط آمده است:

احب المرء ظاهره جمیل + و باطنه لظاهره سلیم

مخلص جیوی از مفهوم نم بیت دوم این شعر و ارتباط آن با نیم بیت اول دستگیرش نشد.

با کزیر به رفیق الاعیان (طبع محیی الدین عبدالحمید، الجزء الاول ص ۱۳۷) که وقتی این بیت را در آن دیده بود مراجع کرد و در آیت درست شعر را چنین یافت.

احب المرء ظاهره جمیل لصاحبه و باطنه سلیم

و در شکفت ماند که چرا حضرت استاد با آن همه جبروت در نحو عربی این شعر را از تصحیح محروم داشته و مانند بسیاری از عبارات کتیبیهها به اصلاحش باز نیاورده اند؟ آیا خود از این بیت - بدین صورتی که در کتاب نقل افتاده - چه فهمیده اند؟

ص ۱۸۸: در شرح مدفن امامزاده احمد واقع در محله باغات نوشته اند:

قدیمیترین تاریخی که در آن دیده میشود ۵۶۳ قمری است که روی سنگی که در آستانه آن افتاده و معروف است که همان سنگ سومات می باشد، حک گردیده. و این اعتقاد عوامانه ای است. چه در هیچیک از تواریخ قدیم... اشاره ای به اینکه سلطان محمود غزنوی قطعه ای از بیت سومات را به اصفهان که آن زمان مقر علاء الدوله کاکویه بود فرستاده باشد، نیست. علاوه بر این سال ۵۶۳ که بر سنگ امامزاده احمد کنده شده است ۱۴۷ سال با تاریخ فتح سومات اختلاف دارد» (هشت مقاله تاریخی و ادبی، نصرالله فلسفی ص ۱۷).

حمد مستوفی در تاریخ گزیده (طبع براون ص ۴۵۶-۴۵۷) ونزهة القلوب (چاپ لسترنج ص ۴۹) حکایتی دارد در باب نقل بتی سنگین یوزن کما بیش ده هزار من که مهتر بتان هند بوده و سلطان محمد سلجوقی در غزای هندوستان به سال ۵۰۲ آن را از بت خانه ای برکنده و به اصفهان آورده تا موس دین را در آستانه مدرسه خود در محله جلباره (= گلپاره) بیفکنده است. این قول مستوفی نیز

باحقیقت تطبیق نمی‌نماید چه «آن چنانکه از تواریخ آل سلجوقی بر می‌آید هیچگاه سلطان محمد بن ملک‌شاه به هندوستان لشکر نکشیده است تا بتکده‌ای از آن دیار را ویران کند» (ر. ک ایضا؛ هشت مقاله ص ۱۷).

مرحوم میرزا حسن خان چابری (تاریخ اصفهان و ری ص ۲۲) سنگ امام‌زاده احمد را قطعه‌ای ازین سنگ مدرسه سلطان محمد سلجوقی میدانند و داستان را بدون ذکر ماخذی (والبته این شیوه اوست در بسیاری از متقولاتش) این چنین ادامه می‌دهد که «بعد از قریب این سنگ را دو نیمه کردند و نیمی را در مدرسه میرزا شاه حسین وزیر طهماسب سنگاب ساختند و مؤلف در عتبه امام زاده احمد قطعه ریگی شفاف منقور بخط قدیم دیده که آثار زنجیر بر آن سنگ هست و می‌نمایند برای نمایاندن ذلت بت آن سنگ با زنجیر روی زمین کشیده و باین محل آورده‌اند»

ص ۱۹۰ س ۸۰: محله باغ مراد که در شرق شهر واقع است تطبیق کرده‌اند بر باغ نو که در غرب قرار دارد.

ص ۱۱۹ س ۱۵: در وجه اشتقاق کلمه «بید» در بیدآباد میثقی افاضات لغوی فرموده‌اند که دروغ است خواننده این مقاله از فوائد آن محروم ماند، «اصل ریشه این کلمه از لغت «وید» است که از لغات اوستائی و از ادعیه و سرودهای باستانی اوستائی است و آبادی آن محل را متسوب به وید کرده‌اند که مقدس القاء شده بوده است»

ص ۱۹۸ و ۱۹۹: در این دو صفحه چند بار نام فرقه «تهران و آهنگران» آمده است که ظاهراً صحیح نام بدون و او عطی است.

ص ۱۹۹ س ۱۶: ازعارف مشهور سید حیدر آملی یاد شده و نسبت وی به غلط عاملی ضبط گردیده است.

ص ۲۰۰-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۸: در این چند صفحه مطالبی در وجه اشتقاق «جروانان» «چرین» «جهان باره» و «جورجیر» - چهار محل از اصفهان - ایراد فرموده‌اند که به لاغ و شعبده بیشتر می‌مانند تا به تحقیق و پژوهش؛ افاضات استادی.

... در وجه تسمیه کلمه جروانان (کذا) چندوجه احتمال دارد؛ یکی اینکه جروانان معرب جروانان مشتق از کلمه «جرو» به معنی تل و پشته یا پستی و بلندی باشد و «آن» آخر بمعنی نسبت یعنی جای پستی و بلندی که باین فرض محله مزبور در چنین جائی واقع بوده است؟

دوم اینکه جروانان مأخوذ از گوروانان باشد و گور هم جلی پست و نهان را گویند و تقریباً بامعنی اول متقارب است»

چهارم بود مؤلف ارجمند وجوه محتمل دیگر را نیز یاد می‌فرمودند تا هر آینه گشایشی باشد مر لفظی را - در وجه تسمیه محله جهان باره (که البته این نام بکل مجعول و محدث است و نام حقیقی این محله همان جو باره و جو واه است) نوشته‌اند: «... شاید ازین نظر باشد که باروی طهمورثی و با روی علاء الدوله و اشرفی در آنجا بیکدیگر اتصال یافته بوده است» جل الخالق.

«چرین» و «معرب گرین» دانسته‌اند - و این کاملاً درست است ولی گرین را تصحیف گران پنداشته و این نظر را چنین توجیه فرموده‌اند که «چون در آن بازار (بازار گرین) امتعه گران بهارامی فروخته‌اند به این نام خوانده شده» و باز احتمال داده‌اند: «چرین معرب ژیرین باشد که معنای ژیرین را می‌دهد و باین فرض استنباط

میشود که بازاری در بالا بوده است که آن را بازار چرین یا ژیرین می‌نامیده‌اند»

در وجه اشتقاق «جورجیو» گفته‌اند:

«اصولاً کلمه «جور» در اسامی دهات و محلات اصفهان زیاد دیده میشود مانند جور و جوروان و جاور و جیران (کذا) و چرین و چنین بنظر میرسد که در اصل جیم آن کاف فارسی بوده و معرب و تبدیل به جیم شده است و با این ترتیب میتوان گفت که جورجیر در اصل گورگیر بوده یعنی کسی که کار او گور گرفتن بوده و چون آن محله چنین جائی بوده به این نام خوانده شده و جزء دوم آن یعنی «گیر» یا مخفف از گریوه است و باین فرض معنی هر دو جزء پستی و بلندی خواهد بود که دلیل آنست که محله مزبور دارای پستی و بلندی بوده است و باینکه «گیر» تغییر یافته باشد و با این صورت از تواریخ خواهد بود مانند کیت و ریت (کذا) بآراء و حیص و بیص و نظائر آن و ممکن است در اصل ژور ژیر به معنی ژور ژیر باشد و در تلفظ متمایل به جیم گفته شده است»

ص ۲۱۸: در این صفحه نکاتی در وجه اشتقاق «خرجان» - ناحیه‌ای از اصفهان یاد نموده‌اند که با حقه تطویلی که در ذکر آراء لغوی ایشان ازین پیش داده‌ام از جهت ظرافت خاصی که در این مطالب اخیر است نمی‌توانم از نقل آن در گذرم:

«اگر خرنگان را بر وزن مردان تلفظ کنیم جای و نشیمن بزرگان معنی می‌دهد و شاید چنانکه گفتیم عده‌ای از بزرگان محدثان... در این محله سکونت داشته‌اند. در گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص ۱۴۵) خرچان تعبیر شده که نتوانستیم برای صحت آن مجوزی بدست آوریم مگر اینکه به معنی کسی که خرامی گرداننده عرقی سرد شود و باینکه مخفف خرچان باشد»

ص ۲۲۵ س ۲: «محله خشینان که بر وزن مریوان تلفظ میشود... و چه خوب بود که وزن کلمه مریوان را اول بدست می‌دادند»

ص ۲۲۷ س ۲: مقبره نظام‌الملک طوسی را در محله دارالبطیخ دانسته‌اند. گرچه در این محل قبری به نام نظام‌الملک مشهور است و تشکی نیز دارد ولی آنچنان که از یکی از قضایای معزی در مدح ابوالفضل عیسی بن ادرزاده خواجه نظام‌الملک بر می‌آید قبل از سال ۵۱۱ جسد وی را از اصفهان به نیشابور انتقال داده بوده‌اند» (ر. ک: استاد مینوی، نقد حال، ص ۲۵۷).

ص ۲۴۲ س ۱۸: بجای باب‌دره، باب‌دریه درست است. ص ۲۴۳: در وجه تسمیه محله طوقچی بدین نام، کلمه طوقچی

را معرب تخم‌چین دانسته‌اند چون مردم این محله در واقعه‌ای تخم‌مرغ روی هم می‌چیده‌اند!

ص ۲۵۵ س ۱۴: محله فلان را ازین جهت بدین نام خوانده‌اند که «در آنجا درخت فلفل یا مردمان تند و تیزی وجود داشته‌اند».

ص ۲۶۰: باز افادات لغوی بی‌اساس و باردار.

ص ۲۶۳ س ۱۴: صاحب تذکره عرفات الماشقین اصلاً از مردم بلیمان کاذرون بوده است نه لبیان اصفهان و نسبت وی بلیمانی است نه لبهانی (ر. ک: احمد گلچین معانی، تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، ص ۳-۲۱).

ص ۲۶۴: مارنان و مورنان را دونام از یک محل دانسته و ماربانان را چنان یاد کرده‌اند که گوئی از محلات ویران شده و باز

تمانده است، در تصحیح مطالب ایشان عرض میشود که ماریانان همان ماریانان است که از محلات آباد مصفاى جنوب غربى اصفهان است و مورخان که مؤلف آنرا همان ماریانان پنداشته چنانکه ازین پیش یاد شد - از قرائى است که در شمال شهر واقع شده و امروزه بدان پیوسته است.

ص ۲۷۷ س ۶، در ذکر روستای یونارت گفته اند، «امروزه از آن نشانی هم دیده نمیشود» علی‌رغم اراده و تحقیق جناب مهر آبادی این درستا هنوز موجودیت خویش را حفظ کرده و در سال ۱۳۴۵ طبق آماری که بدست است ۲۸۴ تن جمعیت داشته است. یونارت در چهار کیلومتری شمال میدان پهلوی، در شرق خیابان کاوه واقع است. (ر.ک: نام و جمعیت نقاط مسکونی استان اصفهان، نشریه مرکز آمار ایران، تیرماه ۱۳۵۰، ص ۳۱)

ص ۲۸۴ - ۲۹۰ - ۲۹۴ - ۲۹۵، ایضاً افاضات لغوی بی‌اساس دلوس.

ص ۲۸۵ س ۱۹، میدان میرزا از بناهای تیموریان شمرده اند، در صورتیکه مجموعه آثار این محل از عصر دیلمیان بوده است. (یادداشت آقای بهشتیان).

ص ۳۹۴ تا ۴۰۱: شرحی در باب بازارهای اصفهان داده شده که همه از کتاب «بخشی از گنجینه آثار ملی» نوشته آقای عباس بهشتیان است و البته نویسنده هیچ اشارتی به ماخذ خویش ندارد.

ص ۵۰۹ س ۵: نوشته اند، «هارونیه... بوسیله دورخش خان حسین... ساخته شده». ماخذ ایشان البته باز هم بدون اشاره بدان تاریخ اصفهان روی (ص ۲۲۱) جابری است و عبارت وی در این مورد چنین است: «تعمیرات هارونیه قسمتی از حسین خان پسر اوردومیش خان شاهرخواست».

ص ۵۰۹ س ۹، مدرسه هارونیه را - به استناد قول جابری - از بناهای دوران غزنوی و سلجوقی دانسته اند. البته جابری به صراحت چنین اظهار نظری نکرده (ر.ک: ص ۲۲ و ۲۲۱ تاریخ اصفهان روی) ولی بهر صورت این قولی است بی پایه.

ص ۶۰۴ س ۸، بعد: حکیم داود پائی مسجد حکیم را بزرگ شاه صفی و شاه عباس دوم دانسته و گفته اند: «حکیم بیست و چهار تن بودند بی مهری واقع شده به هندوستان گریخته و در اینجا در اثر ملازمت اورنگ زیب و انجام خدماتی به لقب تقرب خان مفتخر و اموالی اندوخته و آن اموال را بوسیله خانواده اش در اصفهان هزینه ساختن این مسجد کرده است»

مؤلف - بدون ذکر ماخذ - این مطالب را از کتاب آقای هنرفر (۶۱۲) برگرفته و ماخذ جناب هنرفر سفرنامه شاردن است. برای تصحیح و تکمیل شرح احوال حکیم داود مطالب ذیل را به نوشته آقای مهر آبادی تعلیق مینمایم: حکیم داود (پسر حکیم عنایت‌الله) از پزشکان دربار شاه عباس اول بود، چون شاه صفوی درگذشت، حکیم روزگاری چندخانه نشینی اختیار کرد پس به حجاز و بتداد بصره سفر نمود و در هفدهم صفر ۱۰۵۳ به اکبر آباد هند رسید و به دربار شاهجهان پیوست و مناصب بزرگ یافت و این پادشاه بوی لقب تقرب خان بخشید. مرگ حکیم پرورگار عالمگیر (اورنگ زیب) در سال ۱۰۷۳ روی نمود. (ر.ک: نزهة الخواطر، عبدالجی حسنی الجزء الخامس، ص ۱۴۵).

ص ۶۲۲ س ۱۵

طلب نمود ز خرم خجسته تاریخی بگفت: «باد دوسد لعنت خدا بهین ید» پس از نقل این بیت که در تاریخ سنگاب مسجد رحیم خان است نوشته اند: «این ماده تاریخ را مؤلف گنجینه آثار تاریخی اصفهان جزء تاریخ‌های ۱۲۹۹ هجری ذکر کرده است در صورتی که به حساب جمل مطابق ۱۳۰۴ میشود».

حضرت استاد نتوانسته اند احتمال دهند که در این ماده تاریخ (ص ۵) در «به» به شمار نیامده و نباید هم آمده باشد چون در واقع «ه» نیست.

ص ۶۲۳ س ۱۰: در اینجا دست به یک فقره تصحیح زده اند که از طبع موزون ایشان حکایت دارد. ایشان برای اینکه این مصراع: «سلام ما به لب تشنگان کرب و بلا» که ماده تاریخ همان سنگاب مسجد رحیم خان است - با سال ۱۲۹۹ مطابق افتد آن را بدین صورت به اصلاح آورده اند: سلام ما بادولب تشنگان کرب - و بلا

ص ۶۳۳ بیت ۱۳:

خودچه تند عنکبوت تاربطارم کس چه زند از بروت تیر به جوزا در مصراع دوم، «سروت» به معنی سیل (سوی پشت لب) گرفته اند، در صورتیکه در این جا ازین کلمه لاف و گزاف مراد است.

ص ۶۴۰: کتیبه منقول در این صفحه خالی از اغلاط نحوی نیست و شکفت که مؤلف در اینجا خاموش مانده اند.

ص ۶۵۵ رباعی سوم: مصراع چهارم این رباعی قافیه ندارد. ص ۶۵۶: ایضاً مصراع چهارم قطعاً دوم ناموزون است.

ص ۶۵۹ س ۲: نوشته اند: «مسجد شاه در محله ای بنام مسجد شاه واقع است».

ص ۷۱۵ س ۲۰: شعری که یاد کرده اند ناموزون است. ص ۷۲۲ س ۱۰: ایضاً شعر ناموزون است.

ص ۷۳۵ س ۲۰: در ذکر مساجد، نوشته اند مسجد سرمادی فرشادی، از مساجد قدیمی که در سرمادی فرشادی واقع است!

ص ۷۳۷ س ۵: مسجد صدرالعلماء در محله مستهک (از محلات غرب شهر) همین مسجد شیخ لطف‌الله دانسته اند و فرموده اند که مسجد شیخ لطف‌الله در محله مستهک واقع است!!

ص ۷۴۷: ایضاً کتیبه‌های منقول در این صفحه بدون اشکال نحوی نیست!

ص ۷۴۹ س ۳: مراد از جبر پناه چیست؟ ص ۷۵۰ س ۲۲: بجای «جی» «ری» درست است.

ص ۷۶۷ و ۶۸: کتیبه‌های این دو صفحه نیز خالی از اغلاط نیست.

ص ۷۷۲ س ۲۱: کلمه جبال در این مصراع: «به گوش حلقه خدامیش کنند جبال» باید به «چیپال» تصحیح شود و «کنند» به «کند».

ص ۷۷۳ س ۲۱: بجای جویمری، جوهری صحیح است. ص ۷۸۰ س ۱: مصراع دوم این بیت وزنش مختل است.

ص ۷۸۳ س ۱۶: ایضاً مصراع اول ناموزون است. ص ۸۱۱ س ۱۸: بقعه علی بن سهل را نزدیک امام زاده ابراهیم دانسته اند که ظاهراً مراد امامزاده اسماعیل است.

ص ۸۱۴ س ۷، افاضات لغوی در باب نام پرسیان (از دیهه‌های اصفهان) بدین گونه:

«سیان بر وزن میان در لغت فرس بمعنی عشقه و بیچک است و شاید در آن حدود گیاه مزبور می‌روئیده است!»

ص ۸۳۲، کتیبه منقول در این صفحه هم خالی از اشکال نحوی نیست.

ص ۸۴۴ س ۱۰ در وجه تسمیه کلیسای غریب فرموده‌اند چون سنگهای کلیسای قدیم ارمنستان را بدین جا نقل نموده‌اند و این سنگها در این کلیسا غریب است آن را بدین نام خوانده‌اند.

ص ۸۳۹ - ۸۵۰: بنای بقعه پیر بکران را از نظر شیوه معماری شبیه به ایوان کسری دانسته و افاده فرموده‌اند که در آن زمان از سبک دوره ساسانیان پیروی میکرده‌اند.

ص ۸۵۱ کتیبه منقول در این صفحه غلط نحوی دارد.

ص ۸۵۵: نظر مؤلف در اثبات وجود مدفن دراما مزاده واهی

است.

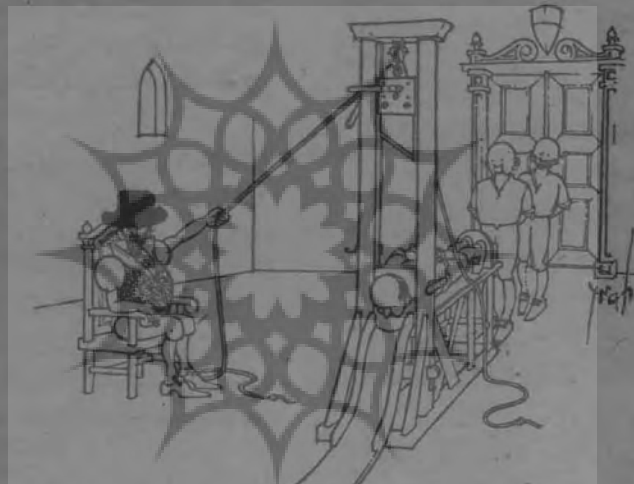
ص ۸۵۹: عکسی که در این صفحه دیده میشود و مؤلف آن را عکس مزار میرفندرسکی تصور فرموده، تصویر قبور رجال بختیاری است.

ص ۸۶۰: تصویر این صفحه نیز مربوط به تکیه میر نیست.

ص ۸۶۲، این کتیبه نیز یراز اغلاط نحوی است.



در اینجا نوشته خویش را بناخواه و ناچار خاتمه میدهم و از پرداختن بدیگر موارد نادرست کتاب و بخصوص انگشت نهادن بر خطاهای فراوان دستوری آن، چشم می‌پوشم امید آنکه مؤلف ارجمند در طبع دوم کتاب - اگر دست دهد - آن را به شیوه و طرز دقیق‌تر و تازه‌تر به جلوه آرند و تهذیب و پیرایشی هر چه تمام‌تر در مطالب روا دارند. و چه غم که صفحات کتاب از ۱۰۳۲ به دوست باسبب تقلیل باید و همه فریبی باشد نه آماس؛ والسلام



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

